

تحلیلگرانی از ایران، هند و پاکستان در یادداشت‌هایی اختصاصی از زوایای بحران نظامی هند و پاکستان گفتند

ایران، صدای عقلانیت در هیاهوی جنگ شبه قاره

سیاست خارجی

گروه سیاست خارجی/ با شلیک چند موشک بالستیک از سوی هند به موضعی در خاک پاکستان، تنش‌های سیاسی دیرینه میان دو همسایه مسلح به سلاح هسته‌ای وارد مرحله‌ای تازه و نگران‌کننده شد. نخست‌وزیر پاکستان، شهباز شریف، این حملات را «اقدامی جنگی» خواند و با وعده «پاسخی تمام‌قد» هشدار داد که پاکستان در دفاع از حاکمیت خود تردید نخواهد کرد. اما در میانه این التهاب خطرناک، صدای دیگری هم به گوش رسید؛ صدایی از تهران. ایران که روابطی نزدیک با هر دو کشور دارد، بار دیگر بر موضع دیرینه‌اش در سیاست خارجی تأکید کرد: دوری از قطب‌بندی‌های منطقه‌ای، پرهیز از مداخله مستقیم، و تلاش برای حفظ موازنه و ثبات. سخنگوی وزارت امور خارجه در بیانیه‌ای رسمی، ضمن ابراز نگرانی از تشدید درگیری میان هند و پاکستان، بر احترام به تمامیت ارضی کشورها و حل و فصل اختلافات از مسیر دیپلماسی تأکید کرد. در همین راستا، سیدعباس عراقچی دیپلمات برجسته ایرانی، با

هدف کمک به کاهش بحران، به سفر منطقه‌ای خود ادامه داد. پس از گفت‌وگو با مقام‌های پاکستانی در اسلام‌آباد، او روز گذشته وارد دهلی نو شد؛ سفری که نه‌تنها نماد نقش متوازن تهران در معادلات آسیای جنوبی است، بلکه نشان‌دهنده اراده ایران برای ایفای نقشی فعال در مسیر بازگرداندن آرامش به منطقه‌ای است که هر لغزش در آن می‌تواند عواقبی جهانی داشته باشد. «ایران» در همین زمینه با جمعی از دیپلمات‌های کهنه کار، تحلیلگران و ناظران بین‌المللی گفت‌وگو کرده است. صاحب‌نظرانی از هند، پاکستان و ایران در یادداشت‌هایی اختصاصی، از زوایای گوناگون به چرایی این تنش، امکان‌های هشی آن و نقشی که تهران می‌تواند در مهار بحران ایفا کند، پرداخته‌اند. در حالی که جهان نگران لغزش هند و پاکستان به سوی تقابل نظامی تمام‌عیار است، تحرکات دیپلماتیک ایران امیدوی است برای بازگشت به عقلانیت، گفت‌وگو و پرهیز از جنگی که هیچ‌یک از طرف‌ها برنده آن نخواهند بود.



عکس هوایی تهران لایونیک

معمای امنیتی جنوب آسیا؛ ضرورت نقش آفرینی ایران در مهار تنش



محسن شریعتی نیا
استاد دانشگاه

تحوالات اخیر در روابط میان هند و پاکستان می‌توان به مثابه نمود جدیدی از یک معمای دیرپای امنیتی تلقی کرد؛ معمایی که به‌طور تاریخی در شکل‌گیری و تداوم روابط خصمانه میان این دو کشور نقش داشته است. هند و پاکستان در بستری از معضلات امنیتی به‌هم‌پیوسته در جنوب آسیا قرار دارند و هرگونه درگیری میان آنها را می‌توان به‌منزله فعال شدن گسل عمیق منازعه‌ای دانست که یکی از عوامل اصلی بی‌ثباتی و ناامنی در این منطقه محسوب می‌شود. در صورت استمرار این وضعیت، نه‌تنها منافع مستقیم دو کشور در معرض تهدید قرار می‌گیرد، بلکه پیامدهای آن، کلیت منطقه و محیط ژئوپلیتیکی پیرامونی را نیز درگیر خواهد ساخت. هرچند برخورداری هر دو کشور از توانمندی هسته‌ای، نوعی بازدارندگی متقابل ایجاد کرده و به‌عنوان عامل مهار نسبی در برابر تشدید درگیری‌ها ایفای نقش می‌کند، با این حال ضروری است دیگر کشورهای مؤثر نیز برای کاهش تنش‌ها و بازگرداندن شرایط به وضعیت پیش از درگیری وارد عمل شوند. در این میان دیپلماسی می‌تواند ابزار مؤثری برای جلوگیری از گسترش بحران باشد.

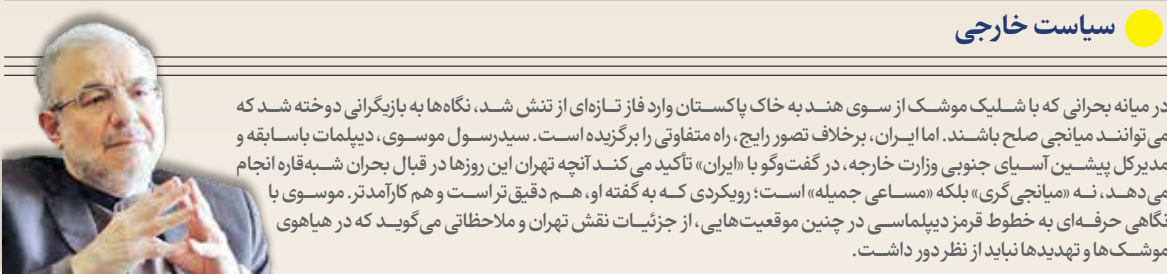
ایران، به‌عنوان کشوری هم‌مرز با پاکستان، دارای روابط راهبردی با هند و عضو سازمان همکاری شانگهای، از جمله بازیگرانی است که جنوب آسیا را بخشی از محیط امنیتی خود می‌داند. از این رو، نقش آفرینی فعالانه در راستای مهار بحران، کاستن از تنش‌ها و بازگرداندن روابط دو کشور به وضعیت صلح‌سرد، نه‌تنها یک انتخاب بلکه ضرورتی راهبردی برای ایران به شمار می‌رود. ایران در این راستا تلاش‌هایی درخور توجه

داشته و با رویکردی مسئولانه کوشیده است از شدت بحران بکاهد و مسیر حل‌وفصل دیپلماتیک را تقویت کند. گرچه ایفای چنین نقشی در مدیریت اختلافات تاریخی دو قدرت هسته‌ای آسان نیست، اما این تلاش‌ها شایسته ارج‌گزارى اند و گویای درک واقع‌بینانه ایران از جایگاه و مسئولیت‌های منطقه‌ای خود هستند. ایران با بهره‌گیری از روابط دوستانه با دو کشور در تلاش است تا از تبدیل شدن تنش‌های فعلی به یک منازعه مزمن جلوگیری کند؛ چرا که گسترش این بحران می‌تواند تأثیرات مستقیم و غیرمستقیمی بر دیگر مناطق تنش‌زا از جمله افغانستان داشته باشد و گسل‌های امنیتی موجود در جنوب آسیا را تشدید کند. با این حال همان‌گونه که پیش‌تر نیز اشاره شد، کنترل و مهار این وضعیت مستلزم همکاری و همراهی دیگر قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای است تا بتوان آتش این بحران را مهار و موقعیت‌ش‌سکننده منطقه را تثبیت کرد؛ بویژه با توجه به شرایط خاص در افغانستان که هم‌اینک نیز در وضعیت ناپایداری به‌سر می‌برد. در جمع‌بندی می‌توان گفت منازعه میان هند و پاکستان، پدیده‌ای تاریخی و ریشه‌دار است که در برخی مقاطع زمانی به‌واسطه عوامل مختلف فعال می‌شود.

اگر چالش‌های جاری میان دو کشور، بویژه در حوزه تروریسم، به‌عنوان موضوعی محوری در نظر گرفته شود، می‌توان از ظرفیت‌های موجود در سازمان همکاری شانگهای و همچنین سازوکارهای مرتبط با کنوانسیون‌های مبارزه با تروریسم بهره گرفت. هرچند تحقق این راه‌حل‌ها در شرایط فعلی دور از دسترس می‌نماید، اما نباید از نظر دور داشت که سازوکارهای دیپلماتیک و چندجانبه، همچنان امکان‌پذیر و در دسترس هستند و می‌توانند زمینه‌ای برای حل‌وفصل اختلافات و کاستن از تنش‌های مزمن میان دو کشور فراهم آورند.

سیدرسول موسوی دیپلمات پیشین وزارت خارجه در گفت‌وگو با «ایران» تشریح کرد

تهران در میدان بحران، با پرچم بی‌طرفی فعال



در میانه بحرانی که با شلیک موشک از سوی هند به خاک پاکستان وارد فاز تازه‌ای از تنش شد، نگاه‌ها به بازیگرانی دوخته شد که می‌توانند میانجی صلح باشند. اما ایران، برخلاف تصور رایج، راه متفاوتی را برگزیده است. سیدرسول موسوی، دیپلمات باسابقه و مدیرکل پیشین آسیای جنوبی وزارت خارجه، در گفت‌وگو با «ایران» تأکید می‌کند آنچه تهران این روزها در قبال بحران شبه‌قاره انجام می‌دهد، نه «میانجی‌گری» بلکه «مساعی جمیله» است؛ رویکردی که به گفته او، هم دقیق‌تر است و هم کارآمدتر. موسوی با نگاهی حرفه‌ای به خطوط قرمز دیپلماسی، از جزئیات نقش تهران و ملاحظات ای می‌گوید که در هیاهوی موشک‌ها و تهدیدها نباید از نظر دور داشت.

با شروع تنش‌های دیپلماتیک میان هند و پاکستان، ایران تلاش کرده نقش میانجیگری برای کاهش بحران داشته باشد. درباره ابعاد و اهمیت این نقش آفرینی بفرمایید.

با آغاز تنش‌های شدید میان هند و پاکستان، ایران تلاش کرده است که نقشی میانجیگرانه برای کاهش بحران ایفا کند. در این راستا، لازم است که ابعاد و اهمیت این نقش آفرینی را دقیق‌تر بررسی کنیم. ابتدا باید اشاره کنم که آنچه در حال حاضر بین هند و پاکستان در جریان است، صرفاً یک تنش دیپلماتیک نیست. این بحران فراتر از سطح دیپلماتیک به تنش‌های نظامی گسترش یافته است. دو طرف درگیری‌های نظامی داشته‌اند و بویژه از روز

که منجر به کاهش تنش‌ها شود. اما لازم به ذکر است که موضوع درگیری‌های هند و پاکستان، موضوعی نیست که به راحتی بتوان یک کشور یا قدرت منطقه‌ای را برای ایفای نقش میانجیگری وارد کرد. در چنین شرایطی، نقشی که ایران در راستای مساعی جمیله ایفا می‌کند، می‌تواند بسیار مؤثر و حائز اهمیت باشد. در مجموع، ایران به‌عنوان کشوری با روابط دوستانه با هر دو طرف، تلاش دارد تا از شدت بحران بکاهد و در صورت تمایل دو کشور، نقش خود را در مراحل بعدی، یعنی میانجیگری، به‌طور جدی‌تر ایفا کند.

درباره سابقه تاریخی ایران در میانداری پیرامون بحران کشمیر بفرمایید؟

در این رابطه باید به یک نکته کلیدی اشاره کرد: ایران در معنای دقیق و رسمی، سابقه‌ای از میانجیگری میان هند و پاکستان در بحران کشمیر ندارد. آنچه در تجربه تاریخی سیاست خارجی ایران مشاهده می‌شود، بیشتر به حوزه مساعی جمیله بازمی‌گردد؛ یعنی تلاش‌هایی خیرخواهانه برای کاهش تنش و دعوت دو طرف به گفت‌وگو، بدون ورود مستقیم به اصل منازعه.

در تاریخ روابط هند و پاکستان، تنها یک مورد شاخص میانجیگری رسمی و موفق وجود دارد که آن هم به شوروی سابق بازمی‌گردد. در جریان جنگ ۱۹۶۵ میان دو کشور، این اتحاد جماهیر شوروی بود که نقش میانجی را ایفا کرد و نهایتاً آتش‌ها منجر به امضای «اتفاقنامه تاشکند» میان هند و پاکستان شد. آن یک نمونه روشن از میانجیگری رسمی بود که با پذیرش دو طرف و نقش فعال

یک کشور ثالث به سرانجام رسید. در سایر موارد، از جمله در رفتار ایران، آنچه شاهد آن بوده‌ایم، نقش آفرینی در قالب مساعی جمیله بوده است. ایران همواره آمادگی خود را برای کمک به کاهش تنش‌ها و فراهم کردن بستر گفت‌وگو اعلام کرده، اما این آمادگی مشروط به پذیرش درخواست مستقیم دو طرف درگیر بوده است. تا زمانی که دو کشور به صورت رسمی رضایت خود را برای ورود یک کشور ثالث به عنوان میانجی اعلام نکنند، اساساً امکان تحقق میانجیگری رسمی وجود ندارد.

آیا درگیری تمام‌عیار بین هند و پاکستان پس از آزمایش سلاح‌های هسته‌ای این دو کشور امکان‌پذیر است؟

با توجه به اینکه هر دو کشور هند و پاکستان سلاح‌های هسته‌ای خود را آزمایش کرده‌اند، می‌توان گفت که عملاً جنگ تمام‌عیار میان این دو کشور دیگر به احتمال زیاد رخ نخواهد داد. گرچه درگیری‌های نظامی، چالش‌های مرزی و تنش‌ها همچنان ادامه دارند، اما از سال ۱۹۷۱ تاکنون، شاهد هیچ جنگ فراگیر و تمام‌عیاری بین این دو کشور نبوده‌ایم. این وضعیت امیدوارکننده است و امید داریم که این روند ادامه یابد، زیرا جنگ تمام‌عیار بین دو کشور هسته‌ای تبعات بسیار جدی و فاجعه‌باری خواهد داشت. در چنین شرایطی، برای جلوگیری از وقوع جنگ تمام‌عیار، نوعی «خوابشستن داری داوطلبانه» ضروری است. هر دو کشور باید با تدبیر و مسئولیت‌پذیری، به‌صورت داوطلبانه تنش‌ها را مدیریت کرده و اجازه ندهند بحران‌ها از کنترل خارج شوند. این رویکرد

به حل‌وفصل مسالمت‌آمیز اختلافات از طریق گفت‌وگو و دیپلماسی اشاره دارد و به نظری می‌رسد که تنها راه جلوگیری از تشدید بحران، اتخاذ رویکردی مبتنی بر مذاکره و همکاری است. در این راستا ایران به عنوان یک بازیگر منطقه‌ای و بین‌المللی، نشان داده که علاوه بر پیگیری پرونده‌های بزرگ ملی و بین‌المللی خود، مانند مسأله هسته‌ای، در نقش خود در صلح و امنیت منطقه‌ای غافل نمی‌ماند. ایران بویژه در زمینه کاهش تنش‌های منطقه‌ای و دعوت از کشورها برای حل‌وفصل مسالمت‌آمیز اختلافات، ظرفیت‌های دیپلماتیک قابل توجهی دارد. در این راستا، ایران همواره آماده است تا در صورت درخواست و توافق طرفین، به تسهیل مذاکرات و کاهش بحران‌ها کمک کند.

رویکرد بازیگرانی منطقه‌ای در قبال بحران‌های هند و پاکستان چیست؟

متأسفانه برخی بازیگران، از جمله رژیم صهیونیستی، وارد طرفداری از یکی از طرفین درگیری‌های هند و پاکستان می‌شوند که این رویکرد نه تنها با اصول سیاست خارجی مسئولانه و صلح‌طلبانه مغایرت دارد، بلکه به تشدید بحران نیز می‌انجامد. چنین دخالت‌هایی برخلاف اصول روابط بین‌المللی است و می‌تواند باعث افزایش تنش‌ها و پیچیده‌تر شدن بحران‌ها شود. در جهانی که با مجموعه‌ای از بحران‌ها و منازعات پیچیده روبه‌روست، تنها کشورهایی می‌توانند نقش آفرینی مؤثر و مثبت داشته باشند که سیاست خارجی خود را بر مبنای اصول انسانی، گفت‌وگو، احترام متقابل و دعوت به صلح تنظیم کرده‌اند.

دیپلماسی ایرانی برای جلوگیری از تشدید تنش‌ها



امید بابلیان
کارشناس شبه قاره

سفر اخیر سید عباس عراقچی، وزیر خارجه ایران، به اسلام‌آباد و سفر روز گذشته او به دهلی نو، نمونه‌ای روشن از سیاست خارجی متوازن ایران و تلاش برای ایفای نقشی سازنده در یکی از حساس‌ترین مناطق جهان یعنی شبه‌قاره هند است. ایران از دیرباز با هر دو قدرت بزرگ جنوب آسیا، یعنی هند و پاکستان، روابط تاریخی، مستقل و چندلایه‌ای داشته و اکنون در جایگاهی بی‌همتا برای شنیدن، درک و انتقال پیام‌ها میان این دو کشور قرار دارد. انتخاب ترتیب زمانی سفر به پاکستان و سپس هند نیز تنها یک تصمیم تشریفاتی نیست، بلکه اقدامی استراتژیک برای حفظ توازن و احترام به حساسیت‌های متقابل دهلی و اسلام‌آباد است. در فضای متشنج فعلی که از کشمیر تا اختلافات مرزی و امنیتی کشیده شده است، تهران به جای جانب‌داری یا مداخله مستقیم، رویکردی بی‌طرفانه و مبتنی بر کاهش تنش‌ها را در پیش گرفته است. هدف از این میانجی‌گری، نه حل نهایی بحران، بلکه موازنه دادن به روایت‌ها، مدیریت سوءتفاهم‌ها و جلوگیری از تشدید درگیری‌هاست. ایران و پاکستان اشتراکات فرهنگی، دینی و زبانی بسیاری دارند که بستر مناسبی برای همکاری بیشتر فراهم می‌کند. این روابط ریشه‌دار، همراه با دغدغه‌های امنیتی مشترک و تلاش برای ثبات منطقه‌ای، به تهران این امکان را می‌دهد که در شرایط فعلی، نقشی تسهیل‌گر در حل چالش‌های موجود ایفا کند. در سوی دیگر، هند یکی از بازیگران کلیدی آسیای جنوب‌طور است و در معادلات استراتژیک ایران نیز جایگاهی ویژه دارد. از مشارکت دهلی در توسعه بندر چابهار گرفته تا پیوندهای منطقه‌ای در حوزه آقیانوس هند، تهران و دهلی به دنبال تقویت روابط راهبردی هستند. اگرچه این روابط تحت تأثیر فشارهای آمریکا قرار گرفته، اما همچنان حفظ و تقویت شده‌اند. نکته ظریفی که در مسیر این سفرها دیده می‌شود، پرهیز از سفرمستقیم میان دهلی و اسلام‌آباد است. این تمهید دیپلماتیک که تهران با هر یک از احزاب به حساسیت‌های طرفین است، بلکه تأکید بر استقلال روابط دوجانبه ایران با هر یک از دو کشور به شمار می‌رود. در نهایت، در حالی که پرونده هسته‌ای ایران در سطح جهانی در حال پیگیری است، تهران هم‌زمان نشان داده که از منطقه و همسایگان خود غافل نیست. این سیاست چندوجهی، برنامه‌ای واقع‌گرای در سیاست خارجی ایران است که هر کوشش با حفظ استقلال، نقش سازنده‌ای در کاهش تنش‌های منطقه‌ای ایفا کند.

تنش هند و پاکستان؛ تلافی سیاست، اقتصاد ورقابت‌های جهانی



محمد کاظم سلیم
استاد دانشگاه دفاع ملی اسلام‌آباد

در حالی که تنش میان هند و پاکستان بار دیگر شعله‌ور شده، نگاه صرف دوجانبه به این بحران گمراه‌کننده است. این درگیری نه‌تنها میراث منازعات تاریخی در کشمیر است، بلکه بازتابی از تقابل منافع بزرگ‌تر در جغرافیای ژئواکونومیک جدید است؛ جایی که نقش ایران بیش از گذشته اهمیت یافته است. بحران جدید میان هند و پاکستان، بویژه در مناطق مرزی چون کشمیر، ظاهراً ادامه منازعه‌ای تاریخی است؛ اما در دل خود معانی گسترده‌تری دارد. تحولات مشابه در سال ۲۰۱۹ نشان داد که تقابل نظامی این دو قدرت هسته‌ای، نه‌تنها بی‌نتیجه بلکه پرهزینه و بی‌ثبات‌کننده است.

حمله هوایی هند به پاکستان در آن سال و پاسخ متقابل اسلام‌آباد – که منجر به سرنوشتی چنگنده‌های هند شد – موازنه قدرت را در افکار عمومی منطقه زیر سؤال برد. دولت «مودی» در پی جبران آن شکست نمادین است. اما تحلیل دیگری نیز وجود دارد که بعد فرمانطقه‌ای بحران را برجسته می‌کند: رقابت ژرف میان چین و آمریکا در نظام اقتصادی جهان. ایران که خود یکی از بازیگران فعال در این معادلات است، به‌درستی تشخیص داده که تداوم درگیری میان هند و پاکستان می‌تواند مستقیماً امنیت ملی و منافع اقتصادی‌اش را تهدید کند. گسترش ناامنی در مرزهای شرقی، افزایش فعالیت گروه‌های افراطی و تضعیف مسیرهای ترانزیتی تنها بخشی از پیامدهای چنین بحرانی برای تهران است. در چنین شرایطی، نقش ایران نه یک ابتکار صلح‌طلبانه صرف، بلکه ضرورتی استراتژیک است. ایران با هند روابط اقتصادی گسترده‌ای دارد، از توسعه بندر چابهار گرفته تا همکاری در حوزه انرژی. در سوی دیگر، اشتراکات فرهنگی، دینی و زبانی با پاکستان، زمینه تعامل نزدیک‌تری را فراهم کرده است. این موقعیت منحصربه‌فرد به تهران امکان می‌دهد تا میان دو رقیب سنتی جنوب آسیا، نقش میانجی بی‌طرفی ایفا کند. در نهایت، ایران با تمرکز بر توسعه همکاری‌های منطقه‌ای، بویژه از مسیر پروژه‌هایی چون CPEC، تلاش می‌کند جایگاه خود را در جغرافیای اقتصادی جدید تثبیت کند. ثبات در جنوب آسیا، بویژه میان دهلی نو و اسلام‌آباد، پیش‌شرط تحقق این هدف است. از این رو، تهران آمادگی، خواران آرامش و همکاری در منطقه است؛ چرا که در این مسیر، هم امنیت ملی و هم افق اقتصادی‌اش معنا پیدا می‌کند.

یادداشت

تنش نظامی میان هند و پاکستان در حالی با تبادل آتش به اوج خود رسیده است که برخی بازیگران منطقه‌ای مانند ایران سعی در کمک به کاهش بحران دارند. در همین راستا اقدامات تازه دیپلماتیک ایران در شبه‌قاره هند، بویژه دیدارهای وزیر امور خارجه با مقام‌های ارشد پاکستان و هند، نشانه‌ای از رویکرد فعال تهران برای مهار تنش‌هایی است که به‌سرعت می‌تواند از مرزهای دو کشور فراتر روند و بر ثبات منطقه‌ای و امنیت ایران نیز اثر بگذارد. در شرایطی که اختلاف بر سر کشمیر همچنان شعله‌ور است و فضای بی‌اعتمادی میان اسلام‌آباد و دهلی نو عمیق‌تر شده، ایران تلاش می‌کند با اتکا به روابط تاریخی و اشتراکات مذهبی و فرهنگی با پاکستان و مناسبات عمیق خود با هند، نقش تسهیل‌گر گفت‌وگو را ایفا کند. ایران در جایگاهی کم‌تظیر قرار دارد که می‌تواند در منازعات حساس میان هند و پاکستان، بدون برانگیختن حساسیت یا متهم شدن به جانب‌داری، نقش آفرینی کند.

در حالی که بسیاری از کشورها با دشواری وارد چنین میدانی می‌شوند، تهران موفق شده است تعدادی دیپلماتیک میان دو طرف برقرار سازد. این رویکرد مبتنی بر منافع راهبردی ایران است؛ چرا که تشدید جنگ در شبه‌قاره، مستقیماً می‌تواند منافع راهبردی ایران در مرزهای شرقی ایران را تهدید کند و مخاطرات جدی برای ثبات و امنیت کریدورهای اقتصادی آن به‌وجود آورد. سفر اخیر وزیر خارجه ایران به هند نیز در همین راستا قابل تحلیل است. این سفر، تنها دیداری دیپلماتیک نیست، بلکه بازتابی از یک روند استراتژیک دقیق است که در آن تحولات جهانی از بازآرایی قدرت‌ها در بریکس گرفته تا تغییرات در سیاست خارجی آمریکا در کنار دغدغه‌های منطقه‌ای قرار گرفته‌اند. ایران و هند اکنون با واقعیت‌های جدیدی روبه‌رو هستند که آنها را ناگزیر به تعریف دوباره‌ای از اشتراکات دوجانبه کرده است. سفر بافاصله آقای عراقچی به پاکستان و سپس هند به عنوان حرکتی حساب‌شده بخشی از الگوی سیاست خارجی چندجانبه و متعادل ایران است که تلاش می‌کند در فضای پرتنش، به‌جای دامن زدن به تنش، بستری برای گفت‌وگو و درک مشترک فراهم کند. در مجموع به نظر می‌رسد ایران در این مقطع بحرانی با هدف کاستن از سوءتفاهم‌ها، جلوگیری از وخامت بیشتر اوضاع و حفظ تعادل منطقه‌ای یا به میدان گذاشته‌اند است؛ نقشی که برآمده از محاسبه‌ای واقع‌گرایانه در عرصه امنیت ملی و منافع راهبردی است.



راهیت کومار
کارشناس مسائل شبه قاره از هند

یادداشت